

بخش اول

# تفکر و اندیشه

سؤال کلیدی: اساس زندگی در جهان هستی چیست؟

آب، نعمت بی نظیر خداوند، جلوه زیبایی و طراوت، مظهر پاکی و زلالی و عامل اصلی ادامه حیات است. در نبود آب، از آواز دلنشین پرندگان، طراوت شکوفه‌های درختان و تبسم گل‌های زیبا و رنگارنگ طبیعت اثری نخواهد بود. آری، آب مایه حیات و اساس زندگی در جهان هستی است.

انبیاء، ۳۰

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ..... و قرار دادیم از آب هر چیزی را زنده.

کلیدواژه: الماء

مفهوم آیه: آب زنده‌کننده همه چیز در دنیا است.

پیام آیه

۱ خداوند آب را عامل زنده‌کننده همه چیز قرار داده است.

۲ آب، اساس زندگی در جهان است.

انسان با آب نیازهای طبیعی و جسمی‌اش را برطرف می‌سازد و به طور کلی آب، حیات‌بخش جهان مادی و از جمله ما انسان‌هاست.

فرقان، ۴۹

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا ..... و زنده می‌کنیم به وسیله آن (آب) سرزمین مرده را.

مفهوم آیه: آب حیات‌بخش جهان مادی است.

پیام آیه

۱ خداوند به وسیله آب باران، زمین خشک و بی‌حاصل را سرسبز می‌کند و زندگی می‌بخشد.

۲ این آیه و آیه «و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ» هم‌مفهوم‌اند. دقت کنید آیه «و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ» به حیات‌بخش بودن همه چیز اشاره دارد و کلی‌تر از آیه «لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا» است.

انفال، ۲۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ..... ای کسانی که ایمان آورده‌اید،  
اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ ..... دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید،  
إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ ..... آن‌گاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که زندگی و حیاتتان می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: استجیبوا لله و للرسول - یحییکم

مفهوم آیه: پذیرش دعوت خداوند و پیامبر ﷺ، حیات‌بخش روح انسان است.

پیام آیه

۱ مخاطب آیه مؤمنان اند.

۲ زنده ماندن روح انسان معلول پذیرش دعوت خداوند و پیامبر ﷺ (علت) است.

۳ دعوت خداوند که به وسیله پیامبرش مردم را به آن دعوت می کند، همان دین الهی است. پس دین حیات بخش روح انسان است.

«یا ایُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا»

«استجیبوا لِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ»

«دَعَاکُمْ لَمَّا یُحِیِّیْکُمْ»

بهرین نام

مفهوم مرتبط	آیه
آب حیات بخش جسم انسان	«وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ کُلَّ شَیْءٍ حَیٍّ»
	«لَتُحِیِّیَ بِهِ بِلَدَّةٍ مِّیْتًا»
اجابت دعوت خداوند و پیامبرش، حیات بخش روح انسان	«یا ایُّهَا الَّذِینَ ءَامَنُوا اسْتَجِیْبُوا لِلّٰهِ وَ لِلرَّسُولِ اِذَا دَعَاکُمْ اِذَا دَعَاکُمْ لَمَّا یُحِیِّیْکُمْ»

## درس اول

# هدایت الهی

## مقدمه درس

سلام دوستان عزیز، در این درس ابتدا با نیازهای برتر انسان آشنا می‌شویم و سپس به بررسی ویژگی‌های پاسخ به این نیازها می‌پردازیم. در آخر نحوه هدایت خداوند برای پاسخگویی به این نیازها را بیان می‌کنیم.

### سؤال کلیدی چرا معانی مختلفی از سعادت و خوشبختی وجود دارد؟

همه ما، نیازهای کوچک و بزرگی داریم و خوشبختی و سعادت خویش را در برآورده شدن آن‌ها جست‌وجو می‌کنیم و رضایت از زندگی را وابسته به میزان تأمین این نیازها می‌دانیم و همواره دنبال برنامه‌ای هستیم که بتواند ما را به بهترین شکل، در برآورده ساختن این نیازها یاری کند.

احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که بتواند پاسخگوی نیازهای او باشد و سعادت بشر را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم. این مکاتب با ادعای رساندن بشر به سعادت، برنامه‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند.

- آیا انسان می‌تواند با تکیه بر عقل خویش برنامه کاملی را برای سعادت خود ارائه دهد؟
- به راستی یک برنامه مناسب برای سعادت انسان چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟
- آیا برنامه‌ای که فقط سعادت دنیای انسان را دربرگیرد، کامل است؟
- آیا می‌توان به برنامه‌های مکاتب بشری اعتماد کرد و زندگی را براساس آن‌ها بنا نهاد؟

### سؤال کلیدی انسان چند دسته نیاز دارد؟ چگونه می‌توان سعادت بشر را تضمین کرد؟

#### نیازهای برتر

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان خلقت آماده کرده و راه آگاه‌شدن از آن‌ها را به انسان نشان داده است. برای مثال، در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا می‌رود. هنگام سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود لباس، پوشاک و مسکن تهیه می‌کند.

اما نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود؛ زمانی که انسان، اندکی از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهای مهم‌تر روبرو می‌بیند؛ نیازهایی که برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است و پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می‌کند. این نیازها به تدریج به دل‌مشغولی، دغدغه و بالاخره به سؤال‌هایی تبدیل می‌شوند که تا پاسخ آن‌ها را نیابد، آرام نمی‌گیرد.

## جمع‌بندی و نکات

- ۱ رضایت از زندگی در گرو تأمین نیازهاست.
- ۲ نیاز دائمی انسان به برنامه‌ای کامل (علت) سبب شده هر کدام از مکاتب بشری برنامه‌ای جداگانه برای رساندن انسان به سعادت ارائه کنند (معلول) که این برنامه‌ها، برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از سعادت را ارائه می‌کنند.
- ۳ انسان‌ها برای رسیدن به آرزوهایشان به دنبال برنامه‌ای جامع و کامل هستند.  
+ همه موجودات این نیازها را دارند.
- ۴ نیازهای انسان  
+ طبیعی و غریزی — خداوند پاسخ به این نیازها را در جهان آماده کرده و راه آگاهی از آن‌ها را به موجودات نشان داده است.  
+ برآمده از جسم انسان‌اند.  
+ فقط اختصاص به انسان‌ها دارد.  
+ برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان داده است. پس سرمایه‌های ویژه علت وجود نیازهای برتر در انسان‌اند.  
+ پاسخ صحیح به این نیازها (علت) سعادت انسان را تضمین می‌کند و به او آرامش می‌بخشد. (معلول)

## بپزینیم

- در درس دوم سال دهم با سرمایه‌های ویژه انسان آشنا شدیم که عبارت‌اند از: «عقل، قدرت اختیار، گرایش به نیکی‌ها و بی‌زاری از بدی‌ها، نفس لوامه (وجدان) و راهنمایان الهی. نیازهای برتر انسان برآمده از این سرمایه‌های الهی است.»
- در درس اول سال دهم خوانده بودیم آرامش یافتن نتیجه (معلول) انتخاب خداوند به عنوان هدف اصلی زندگی (علت) است و در این درس خواندیم آرامش یافتن نتیجه (معلول) پاسخ‌دادن به نیازهای برتر (علت) می‌باشد.

## سؤال کلیدی چرا «شناخت هدف زندگی» یک نیاز برتر است؟

برخی از نیازهای برتر عبارت‌اند از:

- ۱- شناخت هدف زندگی: انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند؟» و با تکیه بر کدامین هدف می‌تواند با اطمینان خاطر زندگی‌اش را صرف آن نماید؟ او می‌داند که اگر هدف حقیقی خود را نشناسد یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است، در حالی که فرصت و توانایی جبران هم ندارد. چنین کسی در حقیقت «سرمایه وجودی خود» را از دست داده است.
- قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ ..... در حقیقت، زیانکاران کسانی‌اند که خودشان را دچار زیان کرده‌اند.

مفهوم آیه: از دست دادن سرمایه وجودی خود

## پیام آیه

- ۱ این آیه مربوط به کسانی است که هدف زندگی‌شان را نشناخته‌اند.
- ۲ کسی که هدف زندگی را نشناسد و نداند «برای چه زندگی می‌کند؟» زیانکار حقیقی است.
- ۳ زیانکاران حقیقی سرمایه‌های وجودی خود را از دست داده‌اند.

از این رو، امام سجاد علیه السلام پیوسته این دعا را می‌کرد که: «خدایا، ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای.»

## بپزینیم

آیه «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ» و دعای امام سجاد علیه السلام: «خدایا، ایام زندگانی مرا به چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای.» هر دو به نیاز شناخت هدف زندگی اشاره دارند و با هم هم‌مفهوم‌اند.

## بپزینیم

در درس اول سال دهم خواندیم که خداوند هدف خلقت انسان را عبادت بیان کرده است که آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» به این مفهوم اشاره دارد. پس خداوند در این آیه، پاسخ به نیاز «شناخت هدف زندگی» را داده است.

## سؤال کلیدی انسان با چه سؤالاتی درباره آینده‌اش روبه‌روست و چه کسی می‌تواند به این سؤالات پاسخ دهد؟

۲- درک آینده خویش: انسان با این سؤال مهم و اساسی نیز روبه‌روست که: «آینده او چگونه است؟»، «آیا زندگی با مرگ تمام می‌شود یا دفتر حیات به شکل دیگری گشوده می‌گردد؟»، «اگر حیات، به شکل دیگری ادامه می‌یابد و انسان زندگی ابدی را پس از مرگ آغاز خواهد کرد، نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟»، «زاد و توشه سفر به جهان دیگر چیست؟» و «خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟»

روزها فکر من این است و همه شب سخنم  
که چرا غافل از احوال دل خویشتنم  
از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود  
به کجا می‌روم آخر نمایم وطنم

## نکات آیات

- ۱- این آیات به طور کلی مربوط به نیاز انسان به درک آینده خویش است.
- ۲- عبارت «آمدنم بهر چه بود؟» در بیت دوم به نیاز برتر شناخت هدف زندگی اشاره دارد.
- ۳- عبارت «به کجا می‌روم آخر؟» در بیت دوم به نیاز برتر درک آینده خویش اشاره دارد.

**سؤال کلیدی** چه کسی می‌تواند به نیاز درک آینده خویش (انسان) پاسخ دهد؟

پاسخ به این سؤال‌ها فقط از عهده کسی برمی‌آید که کاملاً از جهان دیگر و زندگی پس از مرگ آگاه باشد و زاد و توشه آن را بشناسد و به دیگران اطلاع دهد.

## چیزهایی

- در کتاب دین و زندگی سال دهم آیتی را درباره درک آینده خویش و زندگی پس از مرگ خوانده‌ایم که عبارت‌اند از:
- «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِئًا لِّلَّذِينَ كَانُوا يَعْلَمُونَ:» «زندگی اخروی، حیات حقیقی است.»
  - «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ:» «ایمان به زندگی اخروی»
  - «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا:» «حتمی بودن وقوع قیامت»
  - «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ أَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ:» «ضرورت معاد در پرتو حکمت الهی»
  - «أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ:» «ضرورت معاد براساس عدل الهی»
  - «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِمُ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ:» «عالم برزخ»

**سؤال کلیدی** چرا کشف راه درست زندگی یک نیاز برتر است؟

۳- کشف راه درست زندگی: راه زندگی یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه دیگر انسان‌های فکور و خردمند است. این دغدغه از آن رو دغدغه‌ای جدی است که انسان فقط یک بار به دنیا می‌آید و یک بار زندگی در دنیا را تجربه می‌کند؛ بنابراین، در این فرصت تکرارنشده، باید از بین همه راه‌هایی که پیش روی اوست، راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد و بتواند از همه سرمایه‌هایی که خدا به او داده است، به خوبی بهره‌مند شود و به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده است، برسد.

## چیزهایی

- ۱- در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ:» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کنید، هرگاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که به شما زندگی و حیات می‌بخشد»، دعوت خدا و پیامبر همان دین الهی است که راه درست زندگی را به انسان‌ها نشان می‌دهد؛ پس این آیه پاسخ به نیاز «کشف راه درست زندگی» است.

## تدبر

- در آیات سوره «عصر» تدبّر کنید و به سؤال‌های طرح‌شده پاسخ دهید.
- وَ الْعَصْرُ (۱) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالحَقِّ وَ تَوَّصُوا بِالصَّبْرِ (۳)
- سوگند به زمان که بی‌گمان انسان در زیانکاری است. مگر کسانی که ایمان آورده، کارهای شایسته کرده‌اند و همدیگر را به حق سفارش کرده‌اند و همدیگر را به صبر سفارش کرده‌اند.
- ۱- خداوند در این سوره به چه چیزی سوگند خورده است؟ چرا؟
  - پاسخ: زمان - سوگند خداوند به زمان نشان از اهمیت و ارزش آن دارد. انسان‌ها برای رسیدن به سعادت، زمان محدودی را در اختیار دارند که بازگشت‌پذیر نیست؛ پس زمان ارزش زیادی دارد.
  - ۲- چه زیان و خسارتی انسان را تهدید می‌کند؟
  - پاسخ: نیاز از دست دادن زمان و عمر انسان را تهدید می‌کند.
  - ۳- چه کسانی دچار خسارت و زیان نمی‌شوند؟
  - پاسخ: کسانی که ایمان داشته باشند و عمل صالح انجام دهند و دیگران را به حق و صبر توصیه و سفارش کنند.

### سوره عصر

مفهوم آیات: ارزش زمان و عمر

#### پیام آیات

- ۱ خداوند در این سوره به زمان سوگند خورده است که نشان از ارزش آن دارد. (انسان‌ها نیز به چیزهای بسیار باارزش قسم می‌خورند، پس قسم خوردن به چیزی نشان از ارزش بالای آن دارد.)
- ۲ کسانی زیانکار (خاسر) نیستند (معلول) که: الف) ایمان دارند (علت)، ب) کارهای شایسته انجام دهند (علت)، ج) همدیگر را به حق سفارش کنند (علت) و د) همدیگر را به صبر سفارش کنند. (علت)
- ۳ سفارش کردن دیگران به حق و صبر بیانگر وظیفه امر به معروف است که از واجبات الهی می‌باشد.
- ۴ خداوند در این سوره، ایمان را مقدم بر عمل صالح بیان کرده است.

#### سؤال کلیدی چه چیزی نشان‌دهنده بیداری و هوشیاری انسان است؟

سؤال‌هایی از قبیل چیستی «هدف انسان»، «آینده او» و «راه درست زندگی»، دغدغه انسان‌های جست‌وجوگری است که برای خود و فرصت زندگی‌ای که در اختیارشان قرار گرفته، ارزش قائل‌اند و نمی‌خواهند این موهبت یگانه و تکرارناپذیر را هدر دهند. این یک دغدغه و دل‌مشغولی مقدس است، زیرا نشان‌دهنده بیداری و هوشیاری انسان و توجه وی به ارزش زندگی و آگاهی از زمانی است که یک زندگی بی‌هدف را تهدید می‌کند.

### جمع‌بندی و نکات



■ اسامی دیگر نیازهای برتر:

- ۱- نیازهای بنیادین ۲- نیازهای متعالی ۳- نیازهای مقدس ۴- اصیل‌ترین نیازهای انسان
- دقت کنید هر سه نیاز «شناخت هدف زندگی»، «درک آینده خویش» و «کشف راه درست زندگی» دغدغه انسان‌های فکور و خردمند است.

(الف) انسان‌هایی جست‌وجوگرند.

(ب) برای خود و زندگی‌شان ارزش قائل‌اند.

(ج) نمی‌خواهند عمرشان را هدر بدهند.

(د) دارای دغدغه و دل‌مشغولی مقدس‌اند.

(ه) بیدار و هوشیارند.

(و) از ارزش زندگی آگاه‌اند.

(ز) از زمانی که در صورت عدم پاسخ به نیازهای برتر دریافت می‌کنند، آگاه هستند.

۲ ویژگی‌های انسان‌هایی که به دنبال

پاسخ به نیازهای برتر و بنیادین‌اند:

غفلت و بی‌توجهی به این سؤال‌ها کار درستی نیست؛ زیرا آثار و عواقب زیانبار این بی‌توجهی وقتی گریبان انسان را خواهد گرفت که دیگر کاری از او برنمی‌آید و امکان جبران نیست.

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی، ره‌ز که پرسى، چه کنی، چون باشی؟

مکاتب فکری مختلف از ابتدای تاریخ تاکنون به این سؤال‌ها پاسخ‌هایی داده‌اند و امروزه نیز بیش از گذشته بازار این پاسخ‌ها داغ است، به همین جهت هم، سرگردانی انسان امروز از گذشته بیشتر شده است.

**سؤال کلیدی** ویژگی‌های پاسخ راهگشا به نیازهای برتر چیست و چرا وجود این ویژگی‌ها ضروری است؟

پاسخ به این سؤال‌ها باید حداقل دو ویژگی زیر را داشته باشد:

(الف) کاملاً درست و قابل اعتماد باشد، زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است. در حالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربی‌ای کافی نیست، به خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون هستند.

(ب) همه‌جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان به صورت هماهنگ پاسخ دهد، زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی وی، پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بُعدی جداگانه برنامه‌ریزی کرد.

**سؤال کلیدی** چه کسی می‌تواند انسان را در پاسخگویی به نیازهای برتر راهنمایی کند؟

با توجه به این دو ویژگی کسی می‌تواند پاسخ صحیحی به این سؤال‌ها بدهد که:

۱) آگاهی کاملی از خلقت انسان، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او داشته باشد.

۲) هم‌چنین بداند که انسان‌ها، پس از مرگ، چه سرنوشتی دارند و چه عاقبتی در انتظار آن‌هاست.

## فعالیت کلاسی

با توجه به توضیحات، بررسی کنید که: (الف) آیا دستگاه تفکر انسان به تنهایی می‌تواند به این سؤال‌ها پاسخ کامل و جامع دهد؟ چرا؟

(ب) آیا انسان به تنهایی می‌تواند مسیر سعادت را طراحی کند؟ چرا؟

پاسخ: (الف) خیر، زیرا دستگاه تفکر ما اطلاعات کاملی از خلقت انسان، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او و هم‌چنین زندگی پس از مرگ ندارد.

(ب) خیر، چون انسان نمی‌تواند به نیازهای اساسی خود پاسخ دهد، پس قطعاً نخواهد توانست مسیر سعادت را به تنهایی طراحی کند.

## جمع‌بندی و نکات

۱) کاملاً درست و قابل اعتماد بودن؛ زیرا (الف) پاسخ‌های احتمالی و مشکوک زیاد است و (ب) عمر محدود آدمی نمی‌تواند همه پاسخ‌ها را تجربه کند تا به راه درست برسد.

۲) همه‌جانبه بودن (پاسخگویی همه نیازهای انسان باشد)؛ زیرا ابعاد روحی و جسمی و فردی و اجتماعی انسان پیوند و ارتباط کاملی با هم دارند و نمی‌توان برای هر کدام برنامه‌ای جداگانه ریخت.

۱ ویژگی‌های پاسخ به نیازهای برتر

۱) ویژگی‌های کسی که می‌تواند به نیازهای برتر انسان پاسخ دهد: (۱) آگاهی کامل از ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی

۲) آگاهی از سرنوشت و عاقبت انسان پس از مرگ

**سؤال کلیدی** چرا می‌گوییم خداوند همه موجودات را هدایت کرده است؟

**شیوه هدایت خداوند**

دانستیم که انسان به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای برتر خود نیست. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا خداوندی که در دستگاه عظیم خلقت به نیازهای طبیعی و غریزی انسان پاسخ داده، انسان را در وادی نیازهای برتر و متعالی سرگردان رها کرده است؟ یا او را در این زمینه نیز راهنمایی و هدایت نموده است؟

خداوند جهان آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر مخلوقی را برای هدفی معین خلق می‌کند و برای رسیدن به آن هدف، او را هدایت و راهنمایی می‌فرماید. پس هدایت، یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.

**طه، ۵۰**

... قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى ..... گفت: پروردگار ما همان کسی است که بخشیده  
كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ..... به هر چیزی آفرینش را  
ثُمَّ هَدَى ..... سپس [او را] هدایت کرده است.

**کلیدواژه:** کُلُّ شَيْءٍ - هَدَى

مفهوم آیه: خداوند همه موجودات را هدایت کرده است.

**پیام آیه**

- ۱) خداوند حکیم هر موجودی را برای رسیدن به هدفی آفریده است.
- ۲) خداوند موجودات را برای رسیدن به هدف خلقتشان، هدایت می‌کند.
- ۳) هدایت یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.
- ۴) خداوند به همه موجودات هر آنچه برای رسیدن به هدف نیاز داشته‌اند، اعطا کرده است.

**بهبودنام**

- آیات شریفه «و ما خلقنا السماوات و الأرض و ما بینهما لالعین»؛ ما خلقناهما آلا بالحق» که در درس اول کتاب سال دهم خواندید، اشاره به هدفمندی همه موجودات دارد و با آیه «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» هم‌مفهوم است.
- دقت کنید آیه «و ما خلقنا السماوات ...» فقط اشاره به هدفمندی موجودات می‌کند و بیانگر هدایت عام نیست، اما آیه «رَبَّنَا الَّذِي ...» اشاره به هدفمندی همه موجودات و هدایت آن‌ها دارد.
- در درس چهارم کتاب درسی سال دهم خواندیم: «حکیم کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می‌شود، بنابراین خدایی که حکیم است، کار عبث و بیهوده نمی‌کند؛ زیرا کار عبث و بیهوده از جهل و نادانی سرچشمه می‌گیرد.» در آن‌جا حکمت الهی به عنوان یکی از دلایل ضرورت معاد بیان شد و در این درس دلیل هدفمندی و هدایت همه موجودات به سوی هدف خویش.

**سؤال کلیدی** چرا شیوه هدایت انسان نسبت به سایر مخلوقات متفاوت است؟

خداوند همه مخلوقات را هدایت می‌کند، اما شیوه هدایت مخلوقات متفاوت است. توضیح آن‌که هر مخلوقی، متناسب با سرمایه‌هایی که خداوند برایش قرار داده است، هدایت می‌شود. انسان سرمایه‌های ویژه‌ای دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می‌کند و همین امر، سبب تفاوت شیوه هدایت وی از سایر مخلوقات شده است.

**سؤال کلیدی** انسان چگونه از قدرت تعقل و اختیار خود استفاده می‌کند؟

یکی از سرمایه‌های انسان، توانایی تفکر و انجام کارها به کمک فکر و اندیشه و دیگری قدرت اختیار و انتخاب اوست؛ یعنی انسان، ابتدا درباره هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، تفکر می‌کند و اگر تشخیص داد که آن کار مفید است و او را به هدفش می‌رساند، آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد.



- ۱ معنی حکمت خداوند: خدا هر مخلوقی را برای هدف معینی خلق می‌کند و او را برای رسیدن به آن هدف هدایت و راهنمایی می‌کند.
- ۲ خداوند حکیم است (علت)، پس هر کدام از موجودات را با هدفی خاص آفریده و به سوی آن هدف هدایتشان کرده است (معلول). پس هدایت یک اصل عام (عمومی) و همگانی در نظام خلقت است.
- ۳ به این دلیل که موجودات سرمایه‌های متفاوتی دارند (علت)، شیوه هدایتشان نیز با هم متفاوت است. (معلول)
- ۴ انسان نیز به دلیل بهره‌مندی از سرمایه‌های ویژه‌اش (علت)، شیوه هدایت متفاوتی نسبت به سایر مخلوقات دارد. (معلول)
- ۵ معنی اختیاری بودن فعالیت‌های انسان: انسان درباره هر کاری که می‌خواهد انجام دهد، ابتدا (۱) با استفاده از سرمایه عقلش تفکر می‌کند. اگر تشخیص دهد کار مفید است و او را به هدفی که دارد می‌رساند. (۲) با استفاده از سرمایه قدرت اختیار خود آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد.
- ۶ شرط انجام یک کار توسط انسان، تشخیص مفید بودن آن کار و رساندن او به هدف مورد نظرش است.

**سؤال کلیدی** هدایت ویژه انسان چگونه انجام می‌شود؟

هدایت خداوند نیز از مسیر این دو ویژگی می‌گذرد؛ یعنی خداوند برنامه هدایت انسان را از طریق پیامبران می‌فرستد. این برنامه که دربرگیرنده پاسخ به سؤالات بنیادین بشر است، توسط رسولان به مردم ابلاغ می‌شود تا انسان‌ها با تفکر در این برنامه و پی‌بردن به ویژگی‌ها و امتیازات آن با اختیار خود، این برنامه را انتخاب کنند و در زندگی به کار بندند و به هدفی که خداوند در خلقتشان قرار داده است، برسند.

انسان با عقل خود در پیام الهی تفکر می‌کند و با کسب معرفت و تشخیص بایدها و نبایدها، راه صحیح زندگی را می‌یابد و پیش می‌رود. امام کاظم علیه السلام به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم فرمودند:

ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.

**سؤال کلیدی** قرآن چه کسانی را «ناسپاس» نامیده است؟

بنابراین با کنار هم قرارگرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سؤال‌های اساسی دست یافت. البته انسان به علت دارابودن اختیار می‌تواند راه‌های دیگری را نیز برگزیند. اما چنان که گفته شد، چون هر برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند نمی‌تواند پاسخ درستی به آن نیازها بدهد، انسان زیان خواهد کرد و با دست خالی دنیا را ترک گفته و به دیار آخرت خواهد شتافت و در آن جا زیان خود را مشاهده خواهد کرد. قرآن کریم چنین کسی را «ناسپاس» نامیده و می‌فرماید:

### انسان، ۳

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ ..... ما راه را به او نشان دادیم،  
إِنَّمَا شَاكِرًا وَإِنَّمَا كَفُورًا ..... یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس.

**کلیدواژه:** اِنَّمَا شَاكِرًا و اِنَّمَا كَفُورًا

مفهوم آیه: قدرت اندیشیدن و اختیار

### پیام آیه

- ۱ همه انسان‌ها از نعمت هدایت الهی بهره‌مند می‌شوند؛ یعنی برنامه رسیدن به سعادت به همه انسان‌ها داده می‌شود؛ پس این آیه بیانگر هدایت ویژه انسان (هدایت تشریحی) است.
- ۲ انسان‌ها در انتخاب برنامه رسیدن به سعادت اختیار دارند.
- ۳ عده‌ای از مردم با اندیشیدن، برنامه رسیدن به سعادت را انتخاب می‌کنند و این‌گونه سپاس‌گزار نعمت هدایت می‌شوند.
- ۴ عده‌ای از مردم از انتخاب برنامه رسیدن به سعادت سرپیچی می‌کنند و این‌گونه نعمت هدایت را ناسپاس می‌شوند.
- ۵ هرکس مسئول سرنوشت خویش است؛ زیرا راه زندگی‌اش را خودش انتخاب کرده است.
- ۶ بهره‌مندی از قدرت تعقل و اختیار یکی از سرمایه‌های الهی انسان است. اما در صورت استفاده نادرست از این سرمایه‌ها، زیان آن متوجه آدمی خواهد بود.
- ۷ این آیه، پاسخ به یکی از نیازهای برتر یعنی «کشف راه درست زندگی» است. (به کلمه سبیل (یعنی راه) دقت کنید.)

سؤال کلیدی چرا خداوند کسی را که راه هدایت را انتخاب نکند، «ناسپاس» می‌نامد؟

علت ناسپاس نامیده شدن چنین فردی، این است که وی برنامه اطمینان‌بخش را دیده، اما از انتخاب آن سرپیچی کرده است. عمل این فرد مانند کسی است که در هنگام تشنگی، ظرف آب گوارا را از دست دوست نگیرد و به بهانه این که انتخاب با خودم است، جام زهری را که ظاهراً شیرین است، بنوشد. البته چنین انسان ناسپاسی، گرفتار آثار و پیامدهای عمل خود خواهد شد.

### جمع‌بندی و نکات

۱ نحوه هدایت انسان:

- الف) خداوند برنامه هدایت انسان را که شامل پاسخ به نیازهای برتر و بنیادین است، از طریق پیامبران می‌فرستد.  
ب) انسان با استفاده از سرمایه عقل خود در این برنامه تفکر می‌کند و به ویژگی‌ها و امتیازات آن پی می‌برد.  
ج) انسان با اختیار خود برنامه الهی را انتخاب می‌کند و آن را در زندگی به کار می‌گیرد و به هدف خلقتش می‌رسد.  
۲ وسیله تفکر در پیام خداوند، عقل است.

کسب معرفت نسبت به آن (معلول)

تشخیص باید‌ها و نبایدها در زندگی (معلول)

یافتن راه درست زندگی که یکی از نیازهای برتر انسان است. (معلول)

۳ ثمرات تفکر در پیام الهی (علت):

۴ نکات سخن امام کاظم علیه السلام به هشام:

معلول	علت
ارسال پیامبران	تعقل و تفکر در پیام الهی
بهرتر پذیرفتن پیام الهی	برخورداری از معرفت برتر
داناتربودن نسبت به فرمان الهی	برتری در تعقل و تفکر
بالاتربودن رتبه در دنیا و آخرت	کامل‌تربودن عقل

▪ دقت کنید طبق سخن امام کاظم علیه السلام تنها هدف ارسال رسولان، تفکر در پیام الهی است.

▪ دقت کنید گاهی در سؤالات، کلمات زیر به جای اصل کلمه حدیث استفاده می‌شود:

(۱) برتر = افضل، (۲) داناتر = أعلم، (۳) کامل‌تر = أكمل، (۴) بالاتربودن رتبه = عُلوّ درجه

### تکمیل کنید

اگر خداوند به سؤال‌های اساسی انسان پاسخ ندهد و او را رها کند، انسان در قیامت می‌تواند بگوید: .....

پاسخ: من در دنیا علم و توانایی پاسخ به سؤالات اساسی‌ام را نداشتم و تو برای من راهنمایی نفرستادی، حجت را بر من تمام نکردی و من راه تشخیص حق را نمی‌دانستم و این‌گونه بود که گمراه شدم، پس نباید به خاطر اشتباهاتم مؤاخذه و ملامت شوم.

خداوند، در قرآن کریم درباره تمام و کامل شدن حجت الهی با فرستادن انبیا فرموده است:

نساء، ۱۶۵

«رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا»:

«رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند دستاویز و دلیلی نباشد.»

مفهوم آیه: ارسال پیامبران از جانب خداوند حجت را بر مردم تمام کرده است.

### پیام آیه

۱ پیامبران مردم را به بهشت و نعمت‌های آن بشارت می‌دهند و از جهنم و عذاب آن انداز (هشدار) می‌دهند.

۲ این آیه بیانگر هدایت ویژه انسان (هدایت تشریحی) با ارسال انبیا است.

۳ خداوند با ارسال پیامبران و نشان دادن راه سعادت به مردم، راه بهانه‌گیری را برای مردم بسته است؛ پس مسدودماندن راه بهانه‌گیری انسان‌ها نتیجه

(معلول) ارسال پیامبران (علت) است.

۴- مردم در قیامت، در برابر خداوند به خاطر اعمال بدشان عذر و بهانه می‌آورند؛ پس ظرف تحقق این آیه قیامت است.

۵- این آیه بیانگر پاسخ به نیاز «کشف راه درست زندگی» از نیازهای بنیادین انسان است.

۶- این آیه بیانگر سرمایه «راهنمایان الهی» از عوامل رشد انسان است.

۷- در درس هشتم کتاب سال دهم خواندیم در قیامت وقتی جهنمیان رو به سوی فرشتگان می‌آورند تا برای آن‌ها از خداوند تخفیف بگیرند، فرشتگان

به جهنمیان می‌گویند: «مگر پیامبران برای شما دلایل روشن نیاوردند؟» این سخن فرشتگان بیانگر این مفهوم است که خداوند در دنیا با ارسال

پیامبران، حجت را بر مردم تمام کرده است؛ پس این سخن فرشتگان و این آیه با هم ارتباط مفهومی دارند و بیانگر اتمام حجت بر مردم‌اند.

## اندیشه و تحقیق

۱- آیا می‌توانیم پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه فردی واگذار کنیم؟ چرا؟

پاسخ: خیر، راه کمال و رشد هر نوع از موجودات راه معین و خاصی است؛ به طور مثال گندم و نوزاد گوسفند، راه معینی را برای رشد باید بپیمایند تا به کمال خود برسند. نوزاد گوسفند نمی‌تواند بگوید سلیقه‌ام این است که شیر نخورم. اگر شیر نخورد، رشد نمی‌کند و می‌میرد. زیرا از طریق شیر، مواد غذایی مورد نیاز بدنش تأمین می‌گردد و رشد می‌کند. در حقیقت رشد و نمو بدن انسان و هر موجود دیگری مکانیزم و قانون‌مندی ویژه خود را دارد و اگر کسی نخواست از این قانون‌مندی پیروی کند، باید تبعات آن مانند رنج و بیماری و درد را بپذیرد. بعد معنوی و انسانی وجود انسان نیز همین‌گونه است. رشد آن از راهی معین و قانون‌مندی خاصی پیروی می‌کند و به راه و قانون دیگری جواب نمی‌دهد. به میزانی که از این راه و قانون دور شویم، درد و رنج و تبعات منفی آن را باید بپذیریم. پس هر راهی رساننده انسان به مقصود نیست. بنابراین تا آن‌جا قابل استفاده هستند که به راه تکامل انسان ضربه وارد نکنند و در چارچوب آن قرار گیرند و اگر کسی سلیقه‌ای داشت که با قانون‌مندی رشد انسان و ابعاد معنوی او در تضاد بود، باید به نتایج آن تن در دهد و آماده مضرات آن باشد.

۲- آیا انسان می‌تواند پاسخ‌دادن به این نیازها را نادیده بگیرد و براساس ضرب‌المثل «هر چه پیش آید، خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟

پاسخ: برخی از افراد که در چنگال هوس‌های زودگذر زندگی گرفتارند، وقتی با سؤال‌های بنیادین روبه‌رو می‌شوند، برای آسوده‌کردن وجدان، خود را به بی‌خیالی می‌زنند و می‌گویند خود را درگیر این سؤال‌های اساسی نمی‌کنیم. زندگی به هر صورتی که پیش برود، برای ما تفاوتی ندارد. اما این‌ها نمی‌دانند که روزی (پس از مرگ) متوجه این تفاوت می‌شوند که دیگر قادر به انجام کاری نیستند. در آن روز نمی‌توانند خود را به بی‌خیالی بزنند؛ زیرا گرفتار عواقب کارهای خود شده‌اند و رنج و عذاب آن را احساس می‌کنند. بنابراین انسان عاقل نمی‌تواند چنین نگرشی داشته باشد.

۳- قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم. پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، تنها به زیان خود عمل کرده است و تو وکیل و مدافع آن‌ها نیستی.» این آیه به کدام‌یک از مفاهیم درسی اشاره دارد؟ (آیه ۳۱ سوره زمر)

مفهوم آیه: هدایت ویژه انسان با ارسال قرآن و توانایی انتخاب و اختیار او

### پیام آیه

۱- مخاطب آیه، پیامبر ﷺ است.

۲- خداوند قرآن را بر پیامبر ﷺ نازل کرده تا وسیله هدایت مردم باشد.

۳- انسان‌ها باید با استفاده از قدرت اختیار خود، برنامه‌ای را که قرآن برای سعادت آن‌ها بیان کرده است، انتخاب کنند.

۴- قدرت اختیار یکی از سرمایه‌های الهی است، اما برخی از آن به نادرستی استفاده می‌کنند و گمراه می‌شوند.

۵- به این دلیل که مردم در پیروی از قرآن و پیامبر اختیار دارند، پس هر کس مسئول اعمال خودش است.

۶- سودبردن، نتیجه (معلول) انتخاب مسیر هدایت (علت) و زیان‌کردن، نتیجه (معلول) انتخاب مسیر گمراهی و علت است.

۷- به این دلیل که مردم در انتخاب راه هدایت یا ضلالت اختیار دارند و خداوند با ارسال قرآن راه هدایت را به همگان نشان داده است (علت)، رسالت

پیامبر ﷺ در حد تبلیغ است و ایشان وکیل و مدافع مردم برای هدایتشان نیست. (معلول)

۸- عبارت‌های «اما شاکراً و اما کفوراً» یا سپاس‌گزار خواهد بود یا ناسپاس» و «هر کس هدایت یافت، خودش سود کرده و هر کس گمراه شد، تنها به

زیان خود عمل کرده است.» بیانگر قدرت اختیار انسان بوده و هم‌مفهوم‌اند.

۹- این آیه اشاره به سرمایه «راهنمایان الهی» از عوامل رشد انسان دارد.

۴- شعر زیر با کدام‌یک از نیازهای برتر انسان مرتبط است؟ چرا؟

مرد خردمند هنرپیشه را

تا به یکی تجربه آموختن

عمر دو بایست در این روزگار

با دگری تجربه بردن به کار

پاسخ: نیاز به کشف راه درست زندگی؛ زیرا در این ابیات بیان شده که انسان باید دو بار در دنیا زندگی کند. در یک زندگی تجربه کند و در زندگی دیگری تجربه‌اش را به کار گیرد، اما در نیاز به کشف راه درست زندگی خواندیم: «انسان فقط یک بار زندگی را تجربه می‌کند.»

## راهنمایی

برای پاسخگویی به سؤالات این درس، لازم است:

- ① انواع نیازهای آدمی را بشناسید.
- ② کلیدواژه‌های مربوط به هر یک از نیازهای برتر را بدانید تا بتوانید آن‌ها را از هم تفکیک کنید.
- ③ مفاهیم آیات درس را به خوبی بدانید.
- ④ روابط علت و معلولی در سخن امام کاظم (علیه السلام) را به خوبی یاد بگیرید.

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای

(سراسری ریاضی ۹۵)

۱- اشکال مهم پاسخ‌های احتمالی به نیازهای انسان، چیست؟

- ۱) قدرت انتخاب انسان در آن نادیده گرفته شده است.
- ۲) نیازمند تجربه و آزمون است تا کارآیی آن مشخص شود.
- ۳) نیازمند تعقل و ادراک است تا درست بودن آن مشخص شود.
- ۴) بررسی همه‌جانبه نیازهای انسان در آن نادیده گرفته شده است.

(سراسری تپری ۹۵)

۲- دل‌مشغولی‌ها و درد متعالی انسان به ترتیب معلول و نشانه چیست؟

- ۱) نیازهای برتر - درک هدف زندگی
- ۲) درک آینده خویش - درک هدف زندگی
- ۳) نیازهای برتر - بیداری و هوشیاری
- ۴) درک آینده خویش - بیداری و هوشیاری

(سراسری خارج از کشور ۹۴ با تغییر)

۳- دغدغه و درد متعالی که آرام و قرار را از انسان می‌گیرد و تا یافتن پاسخ، وی را رها نمی‌کند، نشانه چیست؟

- ۱) بیداری و هوشیاری انسان
- ۲) خسران اخروی و عدم تنظیم زندگی فردی در دنیا
- ۳) محدود بودن عمر آدمی و ناکافی بودن آن برای تجربه
- ۴) ارتباط کامل ابعاد جسمی و روحی و دنیوی و اخروی انسان

۴- به بیان امام کاظم (علیه السلام) انحصار ارسال رسولان علیهم صلوات الله اجمعین به سوی بندگان از جانب خدای متعال، تحقق ..... است و داناتر بودن آنان به فرمان الهی ..... است.

(سراسری زبان ۹۳)

- ۱) تعقل - معلول برتری معرفت
- ۲) ایمان - معلول برتری معرفت
- ۳) تعقل - علت استواری ایمان
- ۴) ایمان - علت استواری ایمان

(سراسری ریاضی ۹۲)

۵- از آن‌جا «هدایت، یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است» که ..... .

- ۱) تمام موجودات، جبراً راه دستیابی به هدایت را دنبال می‌کنند
- ۲) در کنار هر نیاز، راه پاسخگویی به آن نیاز قرار دارد و هیچ نیازی بدون پاسخ نخواهد بود
- ۳) سراسر هستی، نمودی از قدرت غیرمحدود خداوند است و تمام پدیده‌ها آیات تکوینی آفریدگارند
- ۴) آفریدگار جهان، حکیم است و هر موجودی را برای هدفی معین می‌آفریند و برای وصول به هدف، هدایت می‌فرماید

(سراسری زبان ۹۲)

۶- احساسات شخصی و سلیقه‌ای به این دلیل پاسخگوی نیازهای برتر انسان نیست که .....

- ۱) احساسات و سلیقه، متغیر و متبدل‌اند
- ۲) هر نیازی راه پاسخگویی خاص خود را می‌طلبد
- ۳) آن‌گونه از نیازها، فراتر از احساسات و سلیقه‌اند
- ۴) نیازهای برتر، همراه با دل‌مشغولی و دغدغه هستند

(سراسری خارج از کشور ۹۲ با تغییر)

۷- از دقت در پیام کدام آیه، «مسدود بودن راه بهانه‌گیری انسان‌های دورافتاده از راه هدایت» مفهوم می‌گردد؟

- ۱) «آنا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»
- ۲) «رسلا مبشرین و منذرین لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل»
- ۳) «خلق نکردیم آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است را خلق نکردیم آن دو را جز به حق.»
- ۴) «افحسبتم ائما خلقناکم عبثاً و ائکم الینا لا ترجعون»

(سراسری زبان ۹۱ با تغییر)

۸- اگر گفته شود: «نیازهای برتر سبب دل‌مشغولی و دغدغه انسان است»، این عبارت، بدان معنی است که .....

- ۱) انسان، هرگز خالی از دغدغه و اضطراب و دل‌مشغولی نیست
- ۲) انسان، محصور در نیازهای روزمره و زندگی طبیعی نیست
- ۳) نیازهای زندگی و روزمره انسان، متغیر و متفاوت است
- ۴) انسان، به دلیل انسان‌بودنش، نمی‌تواند به محدودها خرسند باشد

۹- کدام نیاز از نیازهای انسان است که خود را در سؤال «چگونه زیستن» نشان می‌دهد؟ «جامعیت و قابلیت کسب اعتماد» از ویژگی‌های ..... انسان است.

(سراسری خارج از کشور ۹۱ با تغییر)

- ۱) کشف راه درست زندگی - سؤال‌های مطرح‌شده از سوی
- ۲) درک آینده خویش - سؤال‌های مطرح‌شده از سوی
- ۳) کشف راه درست زندگی - پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌های ناگزیر
- ۴) درک آینده خویش - پاسخ‌های داده‌شده به پرسش‌های ناگزیر

۱۰- خداوند هر مخلوقی را برای هدفی ..... آفریده است، پس هدایت یک اصل ..... در نظام خلقت است که آیه شریفه ..... مؤید آن است.

(سراسری انسانی ۹۰ با تغییر)

- ۱) حکیمانه - عام و همگانی - «قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی»
  - ۲) حکیمانه - خاص و هماهنگ - «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم»
  - ۳) آگاهانه - عام و همگانی - «قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی»
  - ۴) آگاهانه - خاص و هماهنگ - «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم»
- ۱۱- با دقت در آیه شریفه «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، ...»، کدام مفهوم مستفاد نمی‌گردد؟

(سراسری فارغ از کشور ۹۰ با تغییر)

- ۱) هر کس با استفاده از عقل و اختیار خود، پیرو کتاب الهی باشد، از گمراهی نجات پیدا می‌کند.
  - ۲) چون خداوند ابزار تفکر و تعقل به انسان داده، هدایت وی را با فرستادن کتاب انجام داده است.
  - ۳) انسان مختار، مسئول هدایت و ضلالت خود است و خداوند با ارسال پیامبر ﷺ او را وکیل هدایت مردم قرار داده است.
  - ۴) چون هر کس مسئول هدایت و ضلالت خود است، خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید که رسالت تو در حد تبلیغ است.
- ۱۲- حکیمانه‌بودن خلقت و حکیم‌بودن خالق که هیچ موجودی را بیهوده و عبث خلق نکنند، در خصوص انسان، از دقت در کدام آیه، مفهوم می‌گردد؟

(سراسری ریاضی ۸۹ با تغییر)

- ۱) «قال ربنا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی»
  - ۲) «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم»
  - ۳) «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، ...»
  - ۴) «خلق نکردیم آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آن دو است را جز به حق؛ خلق نکردیم آن دو را بازپچه.»
- ۱۳- با تدبیر در آیه شریفه «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، ...»، کدام پیام مفهوم نمی‌گردد؟

(سراسری هنر ۸۹ با تغییر)

- ۱) هر کس با استفاده از عقل و اختیار خود، پیرو کتاب الهی باشد، از گمراهی نجات پیدا می‌کند.
  - ۲) چون هر کس مسئول هدایت یا ضلالت خود است، خداوند به پیامبر فرمود که رسالت تو در حد تبلیغ است.
  - ۳) خداوند با ارسال پیامبران و نشان‌دادن راه سعادت، حجت را بر مردم تمام می‌کند، او وکیل و هادی آن‌ها است.
  - ۴) چون خداوند ابزار تفکر و تعقل به انسان داده، هدایت وی را با فرستادن کتاب انجام داده است.
- ۱۴- مفهوم مسدودماندن راه بهانه‌گیری انسان، از دقت در کدام آیه دریافت می‌شود؟

(سراسری فارغ از کشور ۸۹ با تغییر)

- ۱) «انا هدیناه السبیل انا شاکرا و انا کفورا»
  - ۲) «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم»
  - ۳) «رسلا مبشّرين و منذرین لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل» (۴) «افحسبتم ائما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون»
- ۱۵- با توجه به آیه شریفه «همانا ما این کتاب را برای مردم به حق بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، ...»، پیامبر گرامی اسلام ﷺ از آن جهت وکیل و مدافع مردم نیست که .....

(سراسری تهرانی ۸۸)

- ۱) انسان‌ها در انتخاب راه حق یا باطل، مختارند
  - ۲) گرایش فطری انسان‌ها، تعیین‌کننده راه آنان است
  - ۳) انسان‌ها به حکم فطرت، خدانشناس، خداجو و خداپرستانند
  - ۴) نظام هستی، یک نظام «مقدر» است و قانون خاص خود را دارد
- ۱۶- مطابق معارف قرآنی، خدای متعال، رسولان و پیام‌آوران خویش را همراه با «تبشیر و انذار» به عنوان مبشر و منذر ارسال فرمود تا .....

(سراسری هنر ۸۸)

- ۱) هدف‌داری خلقت و حکیمانه‌بودن آفرینش، تبیین گردد
  - ۲) استعدادهای مردم شکوفا و چراغ فطرت، نورانی گردد
  - ۳) حجت بر مردم تمام شود و عزت و حکمت خداوند، به اثبات رسد
  - ۴) گرد و غبار فروافتاده بر عقول و فطرت‌های پاک، زودده شود
- ۱۷- نیاز ..... ارتباط دقیقی با سایر نیازهای برتر دارد و وجود پاسخ‌های ناهمگون به اصیل‌ترین نیاز بشر، نشانه ..... است.

(سراسری زبان ۸۸ با تغییر)

- ۱) کشف راه درست زندگی - آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه و حرکت در راستای آن
  - ۲) کشف راه درست زندگی - ناتوانی انسان از به دست دادن پاسخ درست و کامل به نیازها
  - ۳) شناخت هدف زندگی - ناتوانی انسان از به دست دادن پاسخ درست و کامل به نیازها
  - ۴) شناخت هدف زندگی - آزادی و اختیار انسان در انتخاب راه و حرکت در راستای آن
- ۱۸- مفهوم آیه شریفه «رسلا مبشّرين و منذرین لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل» این است که .....

(سراسری فارغ از کشور ۸۸ با تغییر)

- ۱) عزت و حکمت خداوندی، پاسخگوی نیاز انسان به نبوت است
- ۲) عزت و حکمت خالق، اتمام حجت بر انسان را با ارسال رسولان، رقم می‌زند
- ۳) نبوت، برطرف‌کننده نقص مطلق دانش بشری در راه‌یابی او به هدف زندگی است
- ۴) پیامبران با بشارت و هشدار، چراغ هدایت الهی را در راه انسان، پرفروغ قرار می‌دهند

- ۱۹- کدام نیازها مسبب دل‌مشغولی و دغدغه‌های انسان است و آن دغدغه، نشانه چیست؟  
 (۱) روزمره - غفلت (۲) روزمره - بیداری (۳) متعالی - غفلت (۴) متعالی - هوشیاری  
 (سراسری قارچ از کشور ۸۸)
- ۲۰- با توجه به آیه شریفه «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، ...»، وکیل و مدافع نبودن پیامبر ﷺ و ..... می‌باشد.  
 (۱) معلول حکیمانه بودن انزال کتاب و وحی الهی - مختاری بودن انسان  
 (۲) معلول حکیمانه بودن انزال کتاب و وحی الهی - اتمام حجت بر انسان  
 (۳) نتیجه مسئول بودن انسان در انتخاب هدایت و ضلالت - مختاری بودن انسان  
 (۴) نتیجه مسئول بودن انسان در انتخاب هدایت و ضلالت - اتمام حجت بر انسان  
 (سراسری تپری ۸۷)
- ۲۱- نشانه بیداری و هوشیاری انسان، گرفتار آمدن به ..... است که ریشه در ..... انسان دارد.  
 (۱) درد و دغدغه متعالی - نیازهای برتر (۲) درد و دغدغه متعالی - پاسخ‌های اساسی  
 (۳) طرح سؤالات اساسی - عمیق‌ترین نیازهای (۴) طرح سؤالات اساسی - حس کنجکاوی و دقت  
 (سراسری انسانی ۸۶ با تغییر)
- ۲۲- با توجه به آیه ۴۱ سوره زمر: «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، ...»، کدام پیام مفهوم نمی‌گردد؟  
 (۱) هر کس با استفاده از عقل و اختیار خود، پیرو کتاب الهی باشد، از گمراهی نجات پیدا می‌کند.  
 (۲) چون خداوند، ابزار تفکر و تعقل به انسان داده، هدایت وی با فرستادن کتاب انجام شده است.  
 (۳) با توجه به این که خداوند ابزار تصمیم‌گیری درست را به انسان داده، هر کس مسئول کارهای خود است.  
 (۴) چون هر کس مسئول هدایت یا ضلالت خود است، خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید که رسالت تو در حد تبلیغ است.  
 (سراسری تپری ۸۶)
- ۲۳- از دقت در آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» مفهوم می‌گردد که .....  
 (۱) دین، زندگی‌بخش و مایه حیات انسان است (۲) مخاطب دعوت خدا و رسول، فطرت الهی انسان است  
 (۳) مخاطب دعوت خدا و رسول، زندگانند و نه مردگان (۴) دین، مظاهر حیات را ارجح می‌دهد و به آن تشویق می‌کند  
 (سراسری انسانی ۸۵)
- ۲۴- اگر نخواهیم به نیازهای برتر پاسخ اساسی بدهیم، نتیجه‌اش مصداق کدامین آیه خواهد بود؟  
 (۱) سوگند به زمان که بی‌گمان انسان در زیانکاری است. (۲) ای مؤمنان، دعوت خدا را اجابت کنید آن‌گاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند.  
 (۳) رسولانی را فرستاد که بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند. (۴) ما راه را نشان دادیم، چه شکرگزار باشید و چه ناسپاس.  
 (سراسری تپری ۸۶)
- ۲۵- کدام یک از عبارات زیر، پاسخی دقیق به سؤال «اساس زندگی در جهان هستی چیست؟» می‌دهد؟  
 (۱) «لنحیی به بلدة میتاً» (۲) «استجبوا لله و للرسول»  
 (۳) «و جعلنا من الماء کل شیء حی» (۴) «اذا دعاکم لما یحییکم»  
 (سراسری تپری ۸۶)
- ۲۶- بیت «از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر نمایم وطنم» در پاسخ به کدام یک از سؤالات زیر مطرح شده است؟  
 (۱) چه کسی می‌تواند به نیازهای برتر پاسخ دهد؟ (۲) در چگونه جهانی زندگی می‌کنیم؟  
 (۳) آیا زندگی انسان با مرگ تمام می‌شود؟ (۴) انسان چگونه باید زندگی کند؟  
 (سراسری تپری ۸۶)
- ۲۷- برای رسیدن به یک زندگی سعادت‌مند، هدفمند و شاد، مستقیم‌ترین و آسان‌ترین راه چیست و کدام آیه بیانگر آن است؟  
 (۱) دین - «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم»  
 (۲) بهره‌گیری از عقل و اختیار - «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم»  
 (۳) دین - «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً»  
 (۴) بهره‌گیری از عقل و اختیار - «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً»  
 (سراسری تپری ۸۶)
- ۲۸- بدون داشتن ..... نمی‌توان به ..... رسید و ارائه برنامه‌های متضاد از سعادت از طرف مکاتب بشری معلول ..... می‌باشد.  
 (۱) هدف - برنامه‌ها - نیاز دائمی به داشتن برنامه‌ای (۲) هدف - برنامه‌ها - عدم اعتماد به برنامه‌های آن‌ها  
 (۳) برنامه - اهداف - نیاز دائمی به داشتن برنامه‌ای (۴) برنامه - اهداف - عدم اعتماد به برنامه‌های آن‌ها  
 (سراسری تپری ۸۶)
- ۲۹- اگر بگوییم: «خدای سبحان، بزرگ‌تر و منزّه است از این که از هدایت بندگان منتفع گشته یا از ضلالت ایشان متضرر گردد»، پیام کدام آیه شریفه، وافی به این مقصود خواهد بود؟  
 (۱) «پروردگار ما کسی است که بخشیده به هر چیزی آفرینشش را و سپس او را هدایت کرده است.»  
 (۲) «پیامبرانی بشارت‌دهنده و اندازدهنده (فرستاد) تا برای مردم در مقابل خداوند دستاویز و دلیلی نباشد.»  
 (۳) «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، ...»  
 (۴) «ای مؤمنان، دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کنید آن‌گاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که زندگی و حیاتتان می‌بخشد.»  
 (سراسری تپری ۸۶)

۳۰- بیت «تا به یکی تجربه آموختن / با دگری تجربه بردن به کار» مرتبط با کدام یک از نیازهای برتر بوده و تفاوت در شیوه هدایت مخلوقات، معلول چیست؟

- (۱) کشف راه درست زندگی - نیازهای برتر  
 (۲) کشف راه درست زندگی - ویژگی‌های متفاوت  
 (۳) شناخت هدف زندگی - نیازهای برتر  
 (۴) شناخت هدف زندگی - ویژگی‌های متفاوت

۳۱- درباره نیاز به «کشف راه درست زندگی» کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) تنها دغدغه انسان‌های فکور و خردمند پاسخ به این نیاز است.  
 (۲) اگر انسان راه درست زندگی را کشف نکند به آن هدف برتری که خداوند در خلقت او قرار داده است، نخواهد رسید.  
 (۳) این نیاز از جمله نیازهای برتری است که انسان‌های جست‌وجوگر برای آن ارزش قائل‌اند.  
 (۴) این نیاز در پاسخ به سؤال «چگونه زیستن» است.

۳۲- آیه شریفه «أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَّ اِمَّا كَفُوْرًا» اشاره به کدام نوع هدایت داشته و عامل ناسپاس خوانده شدن انسان در این آیه چه بیان شده است؟

- (۱) تشریحی - برنامه هدایت‌بخش را دیده اما آن را انتخاب نکرده است (۲) عام - برنامه هدایت‌بخش را دیده اما آن را انتخاب نکرده است  
 (۳) تشریحی - از عقل و اختیار بهره نبرده است (۴) عام - از عقل و اختیار بهره نبرده است

۳۳- اگر بپرسیم: «چگونه می‌توان به اکسیر حیات‌بخش روح بشر دست یافت؟»، کدام آیه یاری‌گر ما در پاسخ به این سؤال خواهد بود؟

- (۱) «أَنَا هَدِيْنَاهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَّ اِمَّا كَفُوْرًا»  
 (۲) «يَا اِيْتِهَآ اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اسْتَجِيْبُوْا لِّلّٰهِ وَّ لِّلرَّسُوْلِ»  
 (۳) «لنحیی به بلدة ميتاً»  
 (۴) «و جعلنا من الماء كل شيء حي»

۳۴- سلب فرصت بهانه‌جویی از انسان‌ها در راستای هدایت الهی، معلول وجود ..... بوده که پیام مستنبط از آیه شریفه ..... است.

- (۱) عقل - «رسلا مبشّرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرّسل»  
 (۲) پیامبران - «رسلا مبشّرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرّسل»  
 (۳) پیامبران - «أنا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»  
 (۴) عقل - «أنا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»

۳۵- فلسفه اصلی بعثت پیامبران چیست و کدام آیه بیانگر آن است؟

- (۱) اتمام حجت خدا بر مردم - «رسلا مبشّرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرّسل»  
 (۲) پاسخگویی به نیازهای بنیادین - «رسلا مبشّرين و منذرين لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرّسل»  
 (۳) پاسخگویی به نیازهای بنیادین - «أنا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»  
 (۴) اتمام حجت خدا بر مردم - «أنا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا»

۳۶- طبق فرمایش امام کاظم (علیه السلام) خطاب به هشام بن حکم، هدف از ارسال رسولان به سوی بندگان چیست و درجه کمال آن به گفته آن حضرت، موجب چه می‌شود؟

- (۱) معرفت - پذیرش بهتر وحی (۲) تعقل - پذیرش بهتر وحی  
 (۳) معرفت - برتری رتبه دنیا و آخرت (۴) تعقل - برتری رتبه دنیا و آخرت

۳۷- با توجه به سوره مبارکه عصر، همه موارد زیر از ویژگی‌های لازم برای خسارت‌ندیدن است، به جز .....

- (۱) برخورداری از ایمان قلبی (۲) انجام کارهای شایسته (۳) پیروی از عقل و اختیار (۴) توصیه کردن دیگران به حق و صبر

۳۸- پی‌بردن به عدم محدودیت انسان به نیازهای روزمره‌ای همچون آب، غذا و مسکن، آن‌گاه میدان عمل پیدا می‌کند که آدمی ..... که از نشانه‌های آن ابتلا به .....

- (۱) از سطح نیازهای طبیعی فراتر رفته و در افق بالاتری بیندیشد - بی‌قراری و ناآرامی  
 (۲) از سطح نیازهای طبیعی فراتر رفته و در افق بالاتری بیندیشد - یأس و ناامیدی  
 (۳) نیازهای طبیعی را عضوی از معیارهای زندگی قرار ندهد - یأس و ناامیدی  
 (۴) نیازهای طبیعی را عضوی از معیارهای زندگی قرار ندهد - بی‌قراری و ناآرامی

۳۹- مفهوم کدام آیه، نافی موضوع اجباری بودن هدایت ویژه آدمی است؟

- (۱) «پیامبرانی بشارت‌دهنده و انذاردهنده (فرستاد) تا برای مردم در مقابل خداوند دستاویز و دلیلی نباشد»  
 (۲) «و از آب هر چیزی را زنده قرار دادیم»

(۳) «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، ...»

(۴) هر کس با استفاده از عقل و اختیار خود، پیرو کتاب الهی باشد، از گمراهی نجات پیدا می‌کند.

۴۰- اعطای خلقت هر چیز به وی و هدایت آن به سوی کمال مطلقش، همان هدایت ..... پروردگار است که از آیه شریفه ..... مستفاد می‌گردد.

(۱) عامه - «رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»

(۲) خاصه - «رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»

(۳) خاصه - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»

(۴) عامه - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»

۴۱- به ترتیب عامل حیات بخش روح و جسم انسان در کدام یک از عبارات قرآنی بیان شده‌اند؟

(۱) «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ» - «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ»

(۲) «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ» - «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا»

(۳) «لنحیی به بلدة میتاً» - «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا»

(۴) «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» - «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خَسْرٍ»

۴۲- دعای امام سجاد (علیه السلام): «خدایا ایام زندگانی مرا به چیزی اختصاص ده که مرا برای آن آفریده‌ای»، مربوط به کدام نیاز برتر و در پاسخ به چه سؤالی می‌باشد؟

(۱) شناخت هدف زندگی - «انسان برای چه زندگی می‌کند؟»

(۲) کشف راه درست زندگی - «انسان برای چه زندگی می‌کند؟»

(۳) شناخت هدف زندگی - «انسان چگونه باید زندگی کند؟»

(۴) کشف راه درست زندگی - «انسان چگونه باید زندگی کند؟»

۴۳- انسان باید در مسیر زندگی‌اش، ره توشه‌ای برای جهان آخرت فراهم کند که این موضوع ایجاب می‌کند که پاسخ به نیازهای برتر باید ..... و برای این که انسان بتواند با استفاده از فرصت زندگی به هدف برسد، در سوره عصر با ..... به این امر تأکید کرده است.

(۱) همه جانبه - سوگند به زمان

(۲) همه جانبه - زیانکارخواندن انسان

(۳) کاملاً درست و قابل اعتماد - سوگند به زمان

(۴) کاملاً درست و قابل اعتماد - زیانکارخواندن انسان

۴۴- چه کسی می‌تواند به نیازهای برتر پاسخ صحیحی بدهد؟

(۱) کسی که از عقل و اختیار خود کامل‌ترین بهره را برده باشد.

(۲) کسی که هدف از خلقت را کاملاً درک کند.

(۳) کسی که بداند که انسان پس از مرگ چه سرنوشتی دارد و چه عاقبتی در انتظار اوست.

(۴) کسی که به تمام پیامبران ایمان آورده و دعوت خدا را اجابت کند.

۴۵- علت این که برخی انسان‌ها قدم در کوره‌های نامطمئن و بدفرجام می‌گذارند، چیست و کدام آیه بیانگر توجه به این مفهوم است؟

(۱) چراغ عقلشان خاموش شده است - «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

(۲) رسولان و پیامبران را ندیده‌اند - «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»

(۳) چراغ عقلشان خاموش شده است - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ»

(۴) رسولان و پیامبران را ندیده‌اند - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ»

۴۶- آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» پاسخ کدام یک از سؤالات زیر را می‌دهد؟

(۱) خوشبختی انسان در گرو انجام چه کارهایی است؟

(۲) انسان برای چه زندگی می‌کند؟

(۳) نحوه زندگی انسان پس از مرگ چگونه است؟

(۴) چگونه می‌توان راه درست زندگی را به دست آورد؟

۴۷- چیستی زاد و توشه سفر به جهان آخرت، مربوط به کدام نیاز بوده و کدام بیت بیانگر آن می‌باشد؟

(۱) شناخت هدف زندگی - «از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر نمایم وطنم»

(۲) شناخت هدف زندگی - «روزها فکر من این است و همه شب سخنم / که چرا غافل از احوال دل خویشتم»

(۳) درک آینده خویش - «از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر نمایم وطنم»

(۴) درک آینده خویش - «تا به یکی تجربه آموختن / با دیگری تجربه بردن به کار»

۴۸- بیم از دست دادن سرمایه گرانبهای عمر لزوم پاسخگویی به کدام نیاز را ایجاب می‌کند؟

(۱) نیازهای طبیعی و روزمره (۲) نیاز به شناخت هدف زندگی (۳) نیاز به درک آینده خویش (۴) نیاز به کشف راه درست زندگی

۴۹- اگر خداوند به نیازهای برتر انسان پاسخ ندهد و او را به حال خود رها کند، انسان در قیامت می‌تواند بگوید: .....

(۱) ما را به دنیا بازگردان تا عمل صالح انجام دهیم

(۲) بزرگان ما و شیطان سبب گمراهی ما شدند

(۳) ما در زمین نیازمند و ضعیف بودیم

(۴) چرا برای ما راهنمایی نفرستادید تا ما را به سوی حق هدایت کنید؟

۵۰- اگر سؤال شود که: «چرا دغدغه کشف راه درست زندگی یک دغدغه جدی است؟»، کدام بیت مفهوم پاسخ این سؤال را بیان می‌کند؟

(۱) روزها فکر من این است و همه شب سخنم

که چرا غافل از احوال دل خویشتم

(۲) از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود

به کجا می‌روم آخر نمایم وطنم

(۳) کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در راه

کی روی، ره ز که پرسی، چه کنی، چون باشی

(۴) تا به یکی تجربه آموختن

با دیگری تجربه بردن به کار



- ۵۱- بیت «از کجا آمده‌ام آمدنم بهر چه بود / به کجا می‌روم آخر نمایی وطنم»، به ترتیب بیانگر کدام یک از نیازهای برتر انسان می‌باشد؟  
 (۱) درک آینده خویش - کشف راه درست زندگی  
 (۲) شناخت هدف زندگی - درک آینده خویش  
 (۳) درک آینده خویش - کشف راه درست زندگی  
 (۴) کشف راه درست زندگی - درک آینده خویش
- ۵۲- کدام پیام از آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» دریافت می‌گردد؟  
 (۱) پیامبران، به عنوان سد راه دستاویز بهانه‌جویان  
 (۲) تقدم عقل در فهم پیام الهی و اثرپذیری از آن  
 (۳) دعوت خدا و رسول به عنوان محیی و منجی مؤمنان از ورطه هلاکت و فنا  
 (۴) عام و همگانی بودن هدایت الهی به عنوان یک اصل در نظام آفرینش
- ۵۳- این که نمی‌توان برای هر بعد از وجود انسان، برنامه‌ریزی جداگانه‌ای کرد و هم‌چنین عمر انسان برای آزمون راه‌های گوناگون محدودیت دارد، به ترتیب کدام ویژگی را برای پاسخ به نیازهای بنیادین ایجاد می‌کنند؟  
 (۱) همه‌جانبه بودن - همه‌جانبه بودن  
 (۲) کاملاً درست و قابل اعتماد بودن - کاملاً درست و قابل اعتماد بودن  
 (۳) کاملاً درست و قابل اعتماد بودن - کاملاً درست و قابل اعتماد بودن  
 (۴) همه‌جانبه بودن - کاملاً درست و قابل اعتماد بودن
- ۵۴- به ترتیب «تعامل نزدیک ابعاد مختلف آدمی» و «محدودیت عمر او»، از علل نیاز به ویژگی ..... و ..... بودن، برای دادن پاسخی اطمینان‌بخش به نیازهای برتر است که لزوم وجود مورد .....، معلول مشکلات حاصل از وجود «راه‌های گوناگون در زندگی» می‌باشد.  
 (۱) همه‌جانبه - قابل اعتماد - دوم (۲) همه‌جانبه - قابل اعتماد - اول (۳) قابل اعتماد - همه‌جانبه - دوم (۴) قابل اعتماد - همه‌جانبه - اول
- ۵۵- حیات‌بخش جهان مادی چیست و در کدام آیه به آن اشاره شده است؟  
 (۱) آب - «استجبوا لله و للرسول» (۲) روح - «استجبوا لله و للرسول» (۳) آب - «لنحیی به بلدة میتاً» (۴) روح - «لنحیی به بلدة میتاً»
- ۵۶- در پاسخ به این سؤال که: «چرا نمی‌شود پاسخ به نیازهای بنیادین را نادیده گرفت؟» و براساس ضرب‌المثل «هر چه پیش آید، خوش آید» رفتار کرد، باید گفت: .....  
 (۱) انسان خردمند می‌داند روزی به نتایج عمل به این ضرب‌المثل دست می‌یابد که فرصت جبران ندارد  
 (۲) از آنجایی که احساسات و سلیقه، متغیر و قابل تبدیل‌اند، نمی‌توان به آن‌ها اکتفا کرد  
 (۳) انسان محکوم است که لوازم درخواست‌های خود را، خواه‌ناخواه تحمل کند  
 (۴) محدودیت عمر انسان، فرصت آزمون راه‌های پیشنهادی گوناگون را به وی نمی‌دهد
- ۵۷- پیام آیه شریفه ..... بیان می‌دارد که شیوه تبلیغ انبیا بر دو محور استوار است که عبارت‌اند از: ..... و .....  
 (۱) «آنا هدیناه السبیل انا شاکرا و انا کفورا» - دعوت به حق - مبارزه با باطل  
 (۲) «آنا هدیناه السبیل انا شاکرا و انا کفورا» - امید به رحمت و پاداش الهی - مبارزه با باطل  
 (۳) «رسلا مبشّرین و منذرین لئلا یكون للناس علی اللّٰه حجة بعد الرّسل» - امید به رحمت و پاداش الهی - بیم از دوزخ  
 (۴) «رسلا مبشّرین و منذرین لئلا یكون للناس علی اللّٰه حجة بعد الرّسل» - دعوت به حق - بیم از دوزخ
- ۵۸- سرمایه‌های ویژه در وجود انسان ..... به وجود آمدن نیازهای برتر هستند که خداوند به علت ..... بودنش به آن‌ها پاسخ داده است.  
 (۱) معلول - عادل (۲) معلول - حکیم (۳) علت - عادل (۴) علت - حکیم
- ۵۹- عبارت «لما یحییکم» بازتابی از چیست و در بردارنده کدام نیاز می‌باشد؟  
 (۱) ایمان و اجابت دعوت خدا و رسول - کشف راه درست زندگی  
 (۲) ایمان و اجابت دعوت خدا و رسول - درک آینده خویش  
 (۳) تقوا و هدایت الهی - کشف راه درست زندگی  
 (۴) تقوا و هدایت الهی - درک آینده خویش
- ۶۰- خداوند راه آگاهی از نیازهای ..... را به همه موجودات داده است و نیازهای برتر ..... سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به انسان عطا کرده است.  
 (۱) طبیعی - معلول (۲) برتر - معلول (۳) طبیعی - علت (۴) برتر - علت
- ۶۱- از دقت در کدام آیات، به ترتیب مفاهیم «مایه حیات و اساس زندگی در هستی» و «عامل حیات روح بشر» به دست می‌آید؟  
 (۱) «و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ» - «لنحیی به بلدة میتاً»  
 (۲) «و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ» - «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول»  
 (۳) «لنحیی به بلدة میتاً» - «و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ»  
 (۴) «لنحیی به بلدة میتاً» - «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول»
- ۶۲- این که انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند؟» مربوط به کدام نیاز اوست و عدم پاسخ به این نیاز چه پیامدی دارد؟  
 (۱) شناخت هدف زندگی - عمر خود را از دست بدهد  
 (۲) شناخت هدف زندگی - عمر خود را از دست بدهد  
 (۳) درک آینده خویش - نحوه زندگی پس از مرگ بر وی روشن نشود  
 (۴) شناخت هدف زندگی - نحوه زندگی پس از مرگ بر وی روشن نشود

پاسح نامہ

تشریحی

و همگانی در نظام خلقت است. آیه «رَبَّنَا اَلَّذِیْ اَعْطٰی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثَمَّ هَدٰی» نیز به این مفهوم اشاره دارد.

■ دقت کنید چون خداوند حکیم است، موجودات را نیز برای هدف حکیمانهای خلق کرده است.

**۱۱-گزینۀ ۳»** ■ دقت کنید «مستفاد نمی‌گردد» یعنی «دریافت نمی‌شود».

با توجه به آیه «همانا ما این کتاب را به‌حق برای مردم بر تو نازل کردیم، پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، تنها به زیان خود عمل کرده و تو وکیل و مدافع آن‌ها نیستی.» درمی‌یابیم که هر کس پیرو کتاب الهی باشد، از گمراهی نجات می‌یابد (گزینۀ ۱). خداوند هدایت انسان‌ها را با فرستادن کتاب انجام داده است (گزینۀ ۲). رسالت پیامبر در حد تبلیغ است (گزینۀ ۴). پیامبر وکیل هدایت مردم نیست (دلیل نادرستی گزینۀ ۳).

**۱۲-گزینۀ ۳»** خداوند در آیه «همانا ما این کتاب را به‌حق برای مردم بر تو نازل کردیم...» اشاره به هدایت ویژه انسان دارد.

■ دقت کنید آیه «قَالَ رَبَّنَا اَلَّذِیْ اَعْطٰی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدٰی» مربوط به هدایت همه موجودات است، نه انسان.

**۱۳-گزینۀ ۳»** با توجه به آیه «همانا ما این کتاب را به‌حق برای مردم بر تو نازل کردیم؛ پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شده، تنها به زیان خود عمل کرده و تو وکیل و مدافع آن‌ها نیستی.» می‌فهمیم که چون خداوند قدرت تعقل و اختیار را به انسان داده و او را با ارسال کتاب (قرآن) هدایت کرده است، پس رسالت پیامبر ﷺ در حد تبلیغ است و او هادی مردم می‌باشد، اما وکیل هدایت آن‌ها نیست.

**۱۴-گزینۀ ۳»** با توجه به آیه «رِسَالًا مَّبَشِّرِیْنَ وَ مَنذِرِیْنَ لِنَاسٍ یَّکُوْنُ لِلنَّاسِ عَلٰی اللّٰهِ حِجَّةٌ بَعْدَ الرِّسَالِ: رِسُوْلَانِی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند دستاویز و دلیلی نباشد.» می‌فهمیم که خداوند راه بهانه‌گیری مردم در قیامت را با ارسال پیامبران بسته است. (مسدود کرده است).

**۱۵-گزینۀ ۱»** با توجه به عبارت «هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، تنها به زیان خود عمل کرده است.» می‌فهمیم که انسان برای انتخاب راه هدایت یا گمراهی، اختیار دارد، به همین دلیل پیامبر ﷺ فقط مردم را به اسلام دعوت می‌کند و وکیل آن‌ها در امر هدایت نیست.

**۱۶-گزینۀ ۳»** با توجه به آیه «رِسَالًا مَّبَشِّرِیْنَ وَ مَنذِرِیْنَ لِنَاسٍ یَّکُوْنُ لِلنَّاسِ عَلٰی اللّٰهِ حِجَّةٌ بَعْدَ الرِّسَالِ: رِسُوْلَانِی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند دستاویز و دلیلی نباشد.» می‌فهمیم که هدف خداوند از ارسال رسولان این بوده که حجت بر مردم تمام شود و راه بهانه‌گیری آنان مسدود گردد. در انتهای آیه دو صفت عزیز و حکیم برای خداوند برشمرده می‌شود.

**۱-گزینۀ ۲»** پاسخ‌های احتمالی به نیازهای برتر انسان راهگشا نیست؛ زیرا این پاسخ‌ها نیازمند تجربه و آزمون است تا کارایی آن مشخص شود، اما عمر محدود آدمی اجازه این تجربه و آزمون را نمی‌دهد.

**۲-گزینۀ ۳»** دل‌مشغولی‌ها و درد متعالی انسان، نتیجه (معلول) وجود نیازهای برتر و نشان‌دهنده بیداری و هوشیاری انسان است.

**۳-گزینۀ ۱»** دغدغه و درد متعالی انسان که آرامش را از او گرفته نشان‌دهنده بیداری و هوشیاری او، توجه وی به ارزش زندگی و آگاهی از زبانی است که در صورت نیافتن پاسخ در انتظار اوست.

**۴-گزینۀ ۱»** امام کاظم علیه السلام به هشام بن حکم فرمودند: «ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن‌که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند (معلول) که از معرفت برتری برخوردار باشند. (علت)»

**۵-گزینۀ ۴»** خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر موجودی را برای هدفی معین خلق می‌کند و برای رسیدن به آن هدف هدایت می‌فرماید. پس، هدایت یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.

■ دقت کنید در گزینۀ (۱) کلمه «جبراً» نادرست است، زیرا انسان اختیار دارد و حیوانات و گیاهان نیز به صورت غریزی و طبیعی به سوی هدفشان حرکت می‌کنند. گزینه‌های (۲) و (۳) نیز ارتباطی با صورت سؤال ندارند.

**۶-گزینۀ ۳»** احساسات شخصی و سلیقه‌ای، پاسخگوی نیازهای برتر نیست؛ زیرا این امور و نیازها، فراتر از احساسات و سلیقه شخصی هستند.

همان‌طور که می‌بینید، همواره از «اندیشه و تحقیق» نیز در کنکور سراسری سؤال مطرح می‌شود.

**۷-گزینۀ ۲»** عبارت «لَتَلَّا یَکُوْنُ لِلنَّاسِ عَلٰی اللّٰهِ حِجَّةٌ بَعْدَ الرِّسَالِ: برای مردم در مقابل خداوند دستاویز و دلیلی نباشد» بیانگر آن است که بعد از فرستاده‌شدن پیامبران، راه عذر و بهانه‌گیری بسته می‌شود و کسی نمی‌تواند نزد خداوند حجتی بیاورد و برای مردم در مقابل خداوند، دستاویز و بهانه‌ای نباشد.

**۸-گزینۀ ۲»** انسان، اندکی که از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهایی مهم‌تر روبه‌رو می‌بیند. این نیازها به تدریج به دل‌مشغولی، دغدغه و سؤال‌هایی تبدیل می‌شوند که تا پاسخ آن‌ها را نیابد، آرام نمی‌گیرد.

دلیل نادرست بودن گزینۀ (۱) این است که انسان اگر پاسخ به نیازهای برتر را بدهد، آرامش می‌یابد و این‌گونه نیست که همیشه مضطرب باشد.

**۹-گزینۀ ۳»** کشف راه درست زندگی یکی از نیازهای برتر است که در قالب سؤال «چگونه زیستن؟» خود را نشان می‌دهد.

جامعیت (همه‌جانبه بودن) و قابلیت کسب اطمینان (مورد اطمینان و اعتماد بودن) از ویژگی‌های پاسخ به نیازهای برتر است.

**۱۰-گزینۀ ۱»** خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ یعنی هر موجودی را برای هدفی معین خلق می‌کند. پس هدایت یک اصل عام

■ دقت کنید در گزینه (۳) فقط دادن ابزار درست تصمیم‌گیری به انسان بیان شده و از نزول کتاب (قرآن) سخنی به میان نیامده، به همین دلیل نادرست است.

۲۲- گزینه «۱» خدا از انسان‌های مؤمن می‌خواهد که دعوت خدا و رسول را اجابت کنند. این اجابت باعث زنده‌شدن انسان‌ها می‌شود «لما یحییکم»، پس آن‌چه مایه زندگی انسان می‌شود، دین خداست. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۲): مخاطب آیه مؤمنان‌اند، نه فطرت انسان‌ها.

گزینه (۳): مخاطب آیه مؤمنان‌اند، نه همه زندگان.

گزینه (۴): دین خودش حیات‌بخش است، نه این‌که مظاهر حیات را ارج بنهد. ۲۴- گزینه «۱» کسانی که به نیازهای برتر و بنیادین پاسخ نمی‌دهند، زیان می‌کنند و این زیان را در آخرت می‌بینند. سوره مبارکه عصر اشاره به این افراد دارد. «سوگند به زمان که بی‌گمان انسان در زیانکاری است».

۲۵- گزینه «۳» در آیه «و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ»، خداوند زنده‌بودن همه‌چیز را وابسته به آب می‌داند، پس می‌فهمیم آب اساس زندگی در جهان است.

■ دقت کنید آیه «لنحیی به بلدة میتاً» بیانگر حیات‌بخش زمین بودن آب است، پس آیه «کلّ شیء حیّ» پاسخ دقیق‌تر و کامل‌تری است.

۲۶- گزینه «۳» عبارت «به کجا می‌روم آخر» مربوط به نیاز برتر «درک آینده خویش» بوده که سؤال «آیا زندگی انسان با مرگ تمام می‌شود؟» مرتبط با این نیاز می‌باشد.

۲۷- گزینه «۱» طبق آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم: ای مؤمنان! دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کنید آن‌گاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که به شما زندگی و حیات می‌بخشد»، باید آن‌چه را که خدا و پیامبرش ما را به آن دعوت کرده‌اند، بپذیریم تا زندگی هدفمند داشته و به سعادت برسیم. این دعوت همان دین الهی است. ■ دقت کنید عقل و اختیار به تنهایی ما را به زندگی سعادت‌مند و هدفمند نمی‌رسانند، بلکه نیازمند یک برنامه هستیم که این برنامه همان دین است.

۲۸- گزینه «۳» بدون داشتن برنامه نمی‌توان به اهداف رسید. نیاز دائمی بشر به داشتن برنامه‌ای که سعادت او را تضمین کند (علت) سبب شده است که مکاتب بشری برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از سعادت ارائه دهند (معلول).

۲۹- گزینه «۳» با توجه به آیه «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم نازل کردیم، پس هر کس هدایت یافت خودش سود کرده و هر کس گمراه شد، تنها به زیان خود عمل کرده و تو وکیل و مدافع مردم نیستی.» می‌فهمیم که خداوند آن‌چه را که برای هدایت انسان لازم بوده به او داده است و هر کس راه هدایت را انتخاب کند، خودش سود کرده و هر کس راه ضلالت را در پیش بگیرد خودش زیان می‌کند و این سود و زیان هیچ نفع و یا ضرری به خداوند نمی‌رساند.

۱۷- گزینه «۲» نیاز به «کشف راه درست زندگی» ارتباط دقیقی با سایر نیازهای برتر دارد. پاسخ به نیازهای برتر نیازمند آگاهی دقیق و کامل از خلقت انسان، جایگاه او، ابعاد وجودی او و ... است. چون انسان‌های این آگاهی را ندارند، نمی‌توانند پاسخی کامل، جامع و صحیح به نیازهای برتر بدهند و در مواردی که افرادی پاسخ به نیازهای برتر را داده‌اند، این پاسخ‌ها متفاوت از هم و گاه متضاد (ناهمگون) است.

۱۸- گزینه «۲» ■ دقت کنید برای پاسخ به این سؤال باید آیه را حفظ باشید.

با توجه به آیه «رسلاً مبشّرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرّسل: رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند دستاویز و دلیلی نباشد.» می‌فهمیم که خداوند با ارسال پیامبران، حجت را بر مردم تمام کرده است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه (۱): در این آیه نیاز انسان به نبوت (پیامبر) مطرح نشده، بلکه هدف از ارسال پیامبران بیان شده است.

گزینه (۳): دانش انسان‌ها نقص مطلق ندارد.

گزینه (۴): پیامبران و عقل دو چراغ هدایت الهی هستند.

۱۹- گزینه «۴» نیازهای برتر (متعالی) سبب دل‌مشغولی و دغدغه انسان می‌شوند. این دغدغه و درد مقدس نشان‌دهنده بیداری و هوشیاری است.

۲۰- گزینه «۱» با توجه به آیه «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم؛ پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، تنها به زیان خود عمل کرده و تو وکیل و مدافع مردم نیستی.» می‌فهمیم که وکیل و مدافع نبودن پیامبر ﷺ، نتیجه (معلول) نازل شدن کتاب (قرآن - وحی الهی) بر مردم و اختیار آنان در انتخاب راه هدایت یا ضلالت است.

۲۱- گزینه «۱» نیازهای برتر انسان به تدریج به دغدغه و درد مقدس تبدیل می‌شوند. این دغدغه و درد متعالی نشانه بیداری و هوشیاری انسان و آگاهی او از زندگی‌اش است.

۲۲- گزینه «۳» با توجه به آیه «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم، پس هر کس هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، تنها به زیان خود عمل کرده و تو وکیل و مدافع مردم نیستی.» می‌فهمیم که هر کس با عقل خود بیندیشد و با اختیار خود پیروی از کتاب الهی را انتخاب کند، از گمراهی و ضلالت نجات می‌یابد (گزینه ۱). خداوند عقل را که ابزار تفکر است به انسان داده و او را با فرستادن کتاب الهی هدایت کرده است (گزینه ۲). با توجه به این‌که خداوند عقل را که ابزار تصمیم‌گیری درست است، به انسان داده و او را با ارسال کتاب (قرآن) هدایت کرده است، انسان در انتخاب راه هدایت یا ضلالت اختیار دارد و مسئولیت انتخاب هر کس با خودش است و به این دلیل که هر کس مسئول انتخاب خودش است، پیامبر وکیل مردم نیست و رسالت او در حد تبلیغ می‌باشد (گزینه ۴).

نیازهای مهم‌تری روبه‌رو می‌بیند و می‌فهمد که انسان به نیازهای روزمره‌ای چون آب، غذا و مسکن محدود نیست و نیازهایی برتر و بنیادین نیز دارد. این نیازها به تدریج به دل‌مشغولی، دغدغه و درد مقدس تبدیل می‌شوند که آرام و قرار را از او می‌گیرند.

■ دقت کنید انسانی که دچار دغدغه و درد مقدس می‌شود، آرام و قرار (آرامش) ندارد و همواره در جست‌وجوی پاسخ به نیازهای برتر است، اما مایوس و ناامید نیست.

۳۹-گزینه «۳» ■ دقت کنید نافی = نفی کننده = رد کننده

خداوند می‌فرماید که: «هر کس هدایت یافت، خودش سود کرده و هر کس گمراه شد، تنها به زیان خود عمل کرده است.» پس انسان در انتخاب راه هدایت یا ضلالت اختیار دارد و اجبار در کار نیست.

۴۰-گزینه «۱» ■ خداوند هر موجودی را برای هدفی خاص خلق

می‌کند و در جهت رسیدن به آن هدف هدایت می‌کند، این هدایت همان هدایت عامه پروردگار است. آیه شریفه «قَالَ رَبَّنَا آذَىٰ اَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ» به اعطای خلقت هر چیز از سوی خداوند «اعطای کل شیء» خلقت و هدایت آن «ثُمَّ هَدَىٰ»، یعنی هدایت عامه موجودات اشاره دارد.

۴۱-گزینه «۲» ■ در آیه «استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما

یحییکم» اجابت دعوت خدا و رسول که همان دین اسلام است، حیات‌بخش روح انسان معرفی می‌شود.

در عبارت «و جعلنا من الماء کل شیء حی» خداوند آب را حیات‌بخش جهان مادی اعم از جسم انسان می‌داند.

۴۲-گزینه «۱» ■ این دعای امام سجاد علیه السلام «خدایا ایام زندگانی

مرا به چیزی اختصاص ده که مرا برای آن آفریده‌ای.» بیانگر نیاز شناخت هدف زندگی است که سؤال «انسان برای چه زندگی می‌کند؟» مربوط به این سؤال می‌باشد.

۴۳-گزینه «۱» ■ پاسخ به نیازهای برتر باید همه‌جانبه باشد؛

یعنی دربردارنده ابعاد روحی و جسمی و فردی و اجتماعی انسان باشد. هم‌چنین این برنامه باید توشه‌ای را برای سفر آخرت فراهم کند.

سوگندخوردن به چیزی نشان‌دهنده اهمیت آن است. خداوند برای این که ما را از اهمیت فرصت زندگی آگاه کند، در سوره عصر به زمان سوگند می‌خورد.

۴۴-گزینه «۳» ■ فقط کسی می‌تواند پاسخ صحیحی به نیازهای

برتر انسان بدهد که از زندگی انسان پس از مرگ آگاه باشد و علم کامل به خلقت انسان، جایگاهش در هستی، ابعاد روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او داشته باشد.

۴۵-گزینه «۱» ■ خداوند راه سعادت را به همه نشان می‌دهد، اما

کسانی که از عقلشان استفاده نمی‌کنند، گمراه می‌شوند.

آیه شریفه «انما هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» بیانگر هدایت مردم است و این که آن‌ها باید با استفاده از قدرت عقل و اختیارشان راه سعادت را انتخاب کنند.

۳۰-گزینه «۲» ■ نیاز به «کشف راه درست زندگی»، یک دغدغه

جدی است؛ زیرا انسان فقط یک بار این زندگی را تجربه می‌کند. بیت «تا به کی تجربه آموختن / با دگری تجربه بردن به کار» نیز به این مفهوم اشاره دارد. مخلوقات به دلیل ویژگی‌های متفاوتی که دارند (علت)، شیوه‌های هدایتشان نیز با هم فرق می‌کند (معلول).

۳۱-گزینه «۱» ■ پاسخ به هر سه نیاز شناخت هدف زندگی،

درک آینده خویش و کشف راه درست زندگی از دغدغه‌های انسان‌های فکور و خردمند است.

۳۲-گزینه «۱» ■ دقت کنید هدایت تشریحی همان هدایت

ویژه انسان و هدایت عام همان هدایت همه موجودات است. آیه «انما هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» به هدایت ویژه انسان (هدایت تشریحی) اشاره دارد.

در این آیه خداوند کسانی را که هدایت الهی را دیده، اما آن را انتخاب نکرده‌اند، ناسپاس می‌نامد.

■ دقت کنید این که برخی از عقل و اختیار بهره نبرده‌اند، به تنهایی ناسپاس لقب نمی‌گیرند، بلکه باید هدایت الهی را نیز دیده باشند.

۳۳-گزینه «۲» ■ آیه «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول

اذا دعاکم لما یحییکم»، پذیرش دعوت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را عامل حیات روح معرفی می‌کند.

۳۴-گزینه «۲» ■ از دقت در آیه «رسلاً مبشّرين و منذرين

لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل: رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند دستاویز و دلیلی نباشد.» می‌فهمیم که خداوند با ارسال پیامبران راه بهانه‌جویی را بر مردم بسته است.

۳۵-گزینه «۱» ■ دقت کنید: فلسفه = علت

در آیه شریفه «رسلاً مبشّرين و منذرين لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل: رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و اندازکننده باشند تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم در مقابل خداوند دستاویز و دلیلی نباشد.» علت (فلسفه) اصلی ارسال پیامبران، اتمام حجت بر مردم یا همان بسته‌شدن راه بهانه‌گیری آنان بیان شده است.

۳۶-گزینه «۴» ■ امام کاظم علیه السلام فرمودند: «ای هشام، خداوند

رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که بندگان در پیام الهی تعقل کنند. آن کس که عقلش کامل‌تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است.»

۳۷-گزینه «۳» ■ سوره مبارکه عصر «سوگند به زمان، که بی‌گمان

انسان در زینکاری است. مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و همدیگر را به حق سفارش کنند و همدیگر را به صبر سفارش کنند.» با توجه به متن این سوره می‌فهمیم برای خسارت ندیدن باید ایمان داشته، کارهای شایسته انجام دهیم و دیگران را به حق و صبر سفارش کنیم.

۳۸-گزینه «۱» ■ هنگامی که انسان اندکی از سطح زندگی

روزمره و نیازهای طبیعی فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با

پاسخ به نیازهای بنیادین باید همهجانبه باشد، به طوری که به نیازهای مختلف انسان پاسخ دهد. هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است تا کارایی آن مشخص شود؛ در حالی که عمر آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست و پاسخ‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون‌اند؛ بنابراین پاسخ‌ها باید کاملاً درست و قابل اعتماد باشند.

**۵۴-گزینه ۱** ابعاد مختلف وجود انسان (جسمی و روحی، فردی و اجتماعی) پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بعدی برنامه‌ریزی جداگانه‌ای کرد (علت)؛ بنابراین پاسخ‌ها به نیازهای بنیادین باید همهجانبه باشند (معلول). هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیاز به تجربه و آزمون دارد تا کارایی‌اش مشخص شود، در حالی که عمر آدمی برای چنین تجربه‌ای محدود است. به خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون هستند (علت). پس این پاسخ‌ها باید قابل اعتماد نیز باشند (معلول).

**۵۵-گزینه ۳** خداوند در آیه «لنحیی به بلدة میتاً، آب را حیات‌بخش جهان مادی معرفی می‌کند.

**۵۶-گزینه ۱** با توجه به سؤال اندیشه و تحقیق، کسانی که مطابق با ضرب‌المثل «هر چه پیش آید، خوش آید» رفتار می‌کنند و می‌گویند زندگی به هر صورتی که پیش برود برای ما تفاوتی ندارد، روزی (پس از مرگ) متوجه پیامد این تفکرشان می‌شوند که دیگر قادر به انجام کاری نیستند و فرصت جبران ندارند؛ بنابراین انسان خردمند نمی‌تواند چنین نگرشی داشته باشد. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: در این ضرب‌المثل بحث احساسات و سلايق نیست، بلکه موضوع «هر چه پیش آید» مطرح می‌شود.

گزینه ۳: انسان دارای قدرت‌اختیار است و محکوم به نتیجه‌انتخاب‌هایش می‌باشد.

گزینه ۴: محدودیت عمر انسان مربوط به ویژگی پاسخ به سؤال‌های برتر است.

**۵۷-گزینه ۳** با توجه به آیه «رسلاً مبشّرين و منذرين لئلا یکون للناس علی الله حجة بعد الرّسل: رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و انذارکننده...» می‌فهمیم که شیوه تبلیغ پیامبران بشارت و امیددادن به رحمت الهی و هشدار و بیم‌دادن از عذاب الهی و دوزخ است.

**۵۸-گزینه ۴** منشأ نیازهای برتر انسان وجود سرمایه‌های ویژه در وجود اوست؛ پس سرمایه‌های ویژه انسان علت به وجود آمدن نیازهای برترند (معلول). خداوند حکیم است؛ یعنی هیچ کاری را بی‌هدف انجام نمی‌دهد؛ پس به نیازهای برتر انسان نیز پاسخ داده است.

حکیم‌بودن خداوند را در سال دهم خواندیم!

**۵۹-گزینه ۱** با توجه به آیه شریفه «یا ایها الذین ءامنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم: ای مؤمنان! دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کنید، آن‌گاه که شما را به چیزی فرامی‌خوانند که به شما زندگی و حیات می‌بخشد.» می‌فهمیم که «لما یحییکم» نتیجه ایمان و اجابت دعوت خدا و رسول اوست. این دعوت خدا و پیامبر همان دین الهی است که برنامه سعادت انسان و راه درست زندگی را به او نشان می‌دهد. پس این آیه پاسخی به نیاز کشف راه درست زندگی است.

**۴۶-گزینه ۴** در آیه شریفه «یا ایها الذین ءامنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم: ای مؤمنان! دعوت خدا و پیامبرش را اجابت کنید، آن‌گاه که شما را به چیزی فرامی‌خوانند که به شما زندگی و حیات می‌بخشد.» منظور از دعوت خدا و رسول همان دین الهی است که برنامه سعادت انسان و راه درست زندگی را به او نشان می‌دهد. پس این آیه اشاره به نیاز کشف راه درست زندگی دارد و به سؤالات «راه درست زندگی چیست؟»، «چگونه زیستن؟» و «چگونه می‌توان راه درست زندگی را به دست آورد؟» پاسخ می‌دهد. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: مربوط به نیاز «درک آینده خویش» است.  
گزینه ۲: مربوط به نیاز «شناخت هدف زندگی» است.  
گزینه ۳: مربوط به نیاز «درک آینده خویش» است.

**۴۷-گزینه ۳** سؤال «زاد و توشه سفر آخرت چیست؟» مربوط به نیاز درک آینده خویش است و عبارت «به کجا می‌روم آخر؟» مربوط به این نیاز برتر انسان می‌باشد.

**۴۸-گزینه ۲** اگر انسان هدف زندگی خود را نشناسد یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را که گران‌بهارترین سرمایه‌اش است، از دست می‌دهد در حالی که توانایی جبران هم ندارد.

**۴۹-گزینه ۴** خداوند با ارسال پیامبران به سوی انسان به نیازهای برتر او پاسخ داده و حجت را بر او تمام کرده است. اگر خداوند چنین نمی‌کرد قطعاً انسان‌ها در روز قیامت خدا را به خاطر عدم ارسال راهنمایان بازخواست می‌کردند و می‌گفتند: «چرا برای ما راهنمایانی نفرستادید تا ما را به سوی حق هدایت کنند؟»

**۵۰-گزینه ۴** نیاز به کشف راه درست زندگی به این دلیل که انسان فقط یک بار در این دنیا زندگی می‌کند و یک بار آن را تجربه می‌کند، یک دغدغه جدی است.

در بیت «تا به یکی تجربه آموختن / با دگری تجربه بردن به کار» بیانگر همین مفهوم می‌باشد.

**۵۱-گزینه ۲** عبارت «آمدنم بهر چه بود» بیانگر نیاز شناخت هدف زندگی است و عبارت «به کجا می‌روم آخر» مربوط به نیاز «درک آینده خویش» می‌باشد.

**۵۲-گزینه ۳** ■ دقت کنید «محبی» = حیات‌دهنده = زندگی‌بخش بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱: این‌که ارسال پیامبران راه بهانه‌گیری مردم را مسدود کرد، پیام آیه «رسولانی (را فرستاد که) بشارت‌دهنده و انذارکننده...» است. گزینه ۲: در این آیه هیچ صحبتی از عقل نمی‌شود.

گزینه ۳: با دقت در آیه «یا ایها الذین ءامنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» می‌فهمیم که دعوت خدا و پیامبر (که همان دین است) روح مؤمنان را زنده می‌کند (محبی) و آنان را از هلاکت نجات می‌دهد. (منجی)

**۵۳-گزینه ۴** از آن‌جا که ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی، دنیوی و اخروی انسان پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بعد از وجود انسان برنامه‌ریزی جداگانه کرد،

۶۰-گزینۀ «۱» خداوند راه آگاهی از نیازهای طبیعی و غریزی را در جهان به همه موجودات نشان داده است. نیازهای برتر از سرمایه‌های ویژه انسان نشأت گرفته‌اند؛ پس نتیجه و معلول آن می‌باشند.

۶۱-گزینۀ «۲» آیه «و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ» بیانگر این مفهوم است که آب مایه حیات و اساس زندگی در هستی است. آیه «استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» پذیرش دعوت خدا و رسول ﷺ را عامل حیات روح بشر معرفی می‌کند.

■ دقت کنید آیه «لنحیی به بلدة میتا» بیانگر عامل حیات زمین است و آیه «جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ» به عامل حیات کل هستی اشاره دارد.

۶۲-گزینۀ «۱» ■ دقت کنید روشن شدن نحوه زندگی پس از مرگ برای انسان با ارسال پیامبران انجام شده است.

سؤال: «برای چه زندگی می‌کنم؟» مربوط به نیاز «شناخت هدف زندگی» است و اگر انسان به پاسخ این نیاز نرسد، عمر خود را از دست داده و به هدفی که در آفرینش او قرار داده شده است، نمی‌رسد.